

دکتر مارو ویلسون، پیامبران، جلسه ۲۳، سخنان پایانی درباره میکاه، اشعیا

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر مارو ویلسون هستم در حال تدریس در مورد انبیا. این جلسه ۲۳، سخنان پایانی در مورد میکاه و تعلیم در مورد کتاب اشعیا است.

بسیار خوب، من آماده شروع هستم.

بباید برای شروع هفته دعا کنیم. پدر، ما از تو برای این روز سپاسگزاریم. آغاز روزی دیگر، هفته‌ای دیگر ما خوشحالیم که تو، هر روز، با ما صحبت می‌کنی. تو از طریق روحی که در ما زندگی می‌کند با ما صحبت می‌کنی. تو از طریق نصیحت‌های خردمندانه دوستان خداترس با ما صحبت می‌کنی.

تو از طریق صفحات تاریخ کلیسا با ما صحبت می‌کنی، در حالی که ما در مورد آنچه که در طول اعصار از طریق قوم خود، مردمی که روح در آنها ساکن است، انجام داده‌ای، تأمل می‌کنیم. تو از طریق کتاب مقدس با ما صحبت می‌کنی. ما از تو سپاسگزاریم که کتاب مقدس زنده است.

در واقع، این پیام نه تنها برای ما، بلکه برای هر نسلی است. به ما کمک کن تا به سخنان تو گوش فرا دهیم. به ما کمک کن تا آن چیزهایی را که ما را هر روز بیشتر به قوم خدا که تو ما را به آن فراخوانده‌ای تبدیل می‌کند، به خود جذب کنیم. برای کمک تو در این ساعت، از تو می‌خواهم که به عنوان یک معلم و هر یک از ما در کنارمان باشی تا با هم یاد بگیریم. به واسطه مسیح، پروردگاران، دعا می‌کنم. آمین.

خب، این هفته، هفته‌ی سحرِ پَسح ماست. فقط یه سری به اینجا زدیم. این هم یه جشن دیگه.

آواز، مراسم مذهبی، شعر، خوردن تاریخ، چرا که هر یک از اقلام روی میز، یادآور خروج، رستگاری است. بنابراین، اکنون باید اوقات خوبی داشته باشیم. کریستن، تو رانندگی خواهی کرد.

با خودت گفتی مجموعش نشش میشه؟ مجموعش هفت میشه. اوه، باشه. عالیه.

خیلی خوبه. کس دیگه ای اینجا رانندگی می‌کنه؟ باشه، فکر کنم تقریباً همه رو جا بدیم. یه سری ماشین داریم که دوباره چکشون می‌کنم.

حالا، فقط چند کلمه آخر در مورد میکاه. و امروز می‌خواهم به اشعیا، که معاصر میکاه است، پردازم. در حالی که اشعیا در مورد مسیح حرف‌های زیادی برای گفتن دارد، جای تعجب نیست که میکاه نیز مطالبی در مورد مسیح دارد.

فقط می‌خواستم برگردم و چند نکته در مورد فصل ۵ ذکر کنم. تو، ای بیت لحم افراتا. حال، این متن در که در انجیل متی آمده است، متی ۲.۵ زادگاه عیسی را با این متن خاص برابر می‌داند. بنابراین، آیا این ۵.۲ متن مسیحایی است؟ آیا در مورد مسیح با ما صحبت می‌کند؟ خب، متی جامعه مسیحی عبری قطعاً می‌خواست این ارتباطات را با کتاب مقدس عبری برقرار کند.

افراته منطقه اطراف بیت لحم است. و این متن نه تنها تصویری از آمدن مسیح از طریق آن قبیله یهودا است، بلکه اول از همه، همانطور که به یاد دارید، در پیدایش ۴۹: ۸-۱۰ به آن اشاره شده است. یعقوب

فرزندانش را برکت می‌دهد و می‌گوید، یهودا، عصای فرمانروایی از تو دور نخواهد شد تا زمانی که به کسی که به او تعلق دارد، برسد.

یهودا، تو مثل یک شیر یا توله شیر خواهی بود. صحبت از سلطان جنگل و خاندان سلطنتی‌اش شد. جالب است که مارک شاگال ۱۲ پنجره شیشه‌ای رنگی خود را در کنیسه بزرگترین بیمارستان خاورمیانه، که بیمارستان هداسا در اورشلیم است، نقاشی می‌کند.

پنجره مربوط به یهودا به رنگ قرمز سلطنتی است و تصویری از یک تاج که با دو دست نگه داشته شده است، روی آن دیده می‌شود. با توجه به تصویرسازی از این فصل ۴۹، بنابراین او حاکم خواهد بود.

البته داوود، این را به عنوان مسح‌شده‌ی دل خود خدا، پادشاه جنگجو، به تصویر کشید. و او از این شهر بیت‌لحم آمد، و سپس داوود بزرگ‌تری در راه بود. معنای عمیق‌تر اینکه خاستگاه او از قدیم است، یا ظهور او به معنای واقعی کلمه از قدیم است.

البته عمیق‌ترین معنای این حرف این است که عیسی، همانطور که از متون دیگر کتاب مقدس می‌دانیم، ازلی بوده است. در واقع، او از ازل بوده است. و انجیل یوحنا، که در فصل اول، لوگوس ابدی را با پدری که حضور دارد، برابر می‌داند.

این متن همچنین به ما می‌گوید که این عصر مسیحایی، شرارت‌ها، چه اجتماعی و چه مذهبی را از بین خواهد برد. و متوجه خواهید شد که در آیه ۴، این شخص مانند داوود است که گله خود را تغذیه می‌کند. در قدرت خداوند، مسیح همیشه نماینده قادر مطلق است و آنها در امنیت ساکن خواهند بود، زیرا اکنون او تا اقصی نقاط زمین بزرگ خواهد بود.

این نهایت کار عصر مسیحایی است. و رفتن شرارت‌های جهان و ظهور آنچه در فصل ۴ از آن صحبت شده بود. تبدیل شمشیرها به گاوآهن، و تبدیل نیزه‌ها به قلاب‌های هرس. مردم در امنیت در بیرون دیوارهای شهر، زیر درخت مو و انجیر، جایی که کشاورزی در جامعه جریان داشت، ساکن شدند.

بنابراین لازم نبود در میان دیوارها به دنبال محافظت باشید. بنابراین، میکاه با ما از عصر مسیحایی صحبت می‌کند، که شامل برخی تغییرات اساسی در از بین بردن شرارت‌های جامعه، تغییرات سیاسی، احیای مذهبی، این جهان، و پیش‌بینی آنچه اشعیا در مورد زمینی نو، آسمانی جدید و زمینی جدید صحبت خواهد کرد صحبت RIV می‌شود. در بخش دیگری که می‌خواستم به طور خلاصه در فصل ۶ به آن برگردم، در مورد کردم که کلمه عبری برای اتهام و پرونده است.

کلمه‌ای برای طرح دعوی علیه کسی که مورد اتهام قرار گرفته است. بنابراین، این یک اتهام است. این دعوی عهدی، اگر بخواهید، در فصل ۶، علیه اسرائیل است و بخش اصلی سوم کتاب را آغاز می‌کند.

هر یک از سه بخش اصلی میکاه. بشنو یا گوش کن. شَمَع.

و این آخرین مورد، که از فصل ۶ شروع می‌شود. شما، به آنچه خداوند می‌گوید گوش کن. برخیز و در برابر کوه‌ها از خود دفاع کن. و باز هم، کوه‌ها و تپه‌ها نماینده هیئت منصفه هستند.

شاید آنها نمادهای عدالت تغییرناپذیر باشند. دادگاه، در سکوت آنجا ایستاده و به کیفرخواست یهوه علیه قومش گوش می‌دهد. اکنون، پیامبر سخنگوی شخص دیگری است.

بنابراین، یهوه در اینجا از طریق پیامبر، دعوی خود را مطرح می‌کند. و یهوه از طریق پیامبر استدعا می‌کند، و در حالی که کوه‌ها و تپه‌ها در سکوت، در قضاوت خاموش، می‌نشینند، به میکاه، وکیل دعاوی، که دعوی را ارائه می‌دهد، گوش می‌دهند. دعوی خداوند به این واقعیت برمی‌گردد که رحمت‌های خدا بر قومش فراوان بوده است.

رحمت‌های گذشته‌ی او. چهارشنبه شب، با هم، بزرگترین معجزه‌ای را که خدا در کتاب مقدس عبری انجام داده است، جشن خواهیم گرفت. و این در آیه ۴ آمده است. به یک معنا، همه چیز در تاریخ یهود به خروج و سینا به عنوان ستون‌های دوقلویی که ملت را تشکیل دادند، برمی‌گردد، که قدرت رهایی‌بخش خدا و عشق و عهد او را نشان داد و به آنها وحی بخشید.

و بنابراین، آن دو چیز در طول یک دوره ۵۰ روزه با هم ترکیب شدند، که یهودیان سالانه، برای چندین هزار سال، آن را جشن می‌گیرند. عید فصح، ۵۰ روز بعد، شاوووعوت، پنطیکاست، روزی که کلیسای مسیحی متولد شد. و بنابراین، او می‌گوید، من شما را از سرزمین مصر بیرون آوردم، شما را از بردگی آزاد کردم.

و بنابراین، این یک آزادی معجزه‌آسا بود. اما خدا اسرائیل را تنها نگذاشت. او این رهبران فوق‌العاده، موسی، هارون و مریم، را به آنها بخشید.

یکی از محدود مکان‌هایی که خارج از خود اسفار پنجگانه تورات، به این سه نفر به طور دسته جمعی اشاره شده است. رهبران بزرگ. و اگر می‌خواهید بدانید که کتاب مقدس در مورد زنان در ظرفیت‌های رهبری در دوران کتاب مقدس چه می‌گوید، به میریام توجه کنید، که در خروج، اولین زنی است که آن هدیه خدمت را به همراه سایر زنان در شیرات هیام، سرود دریا که در جشن خروج خوانده می‌شود، انجام می‌دهد.

خدا حتی وقتی بالاق می‌خواست اسرائیل را از طریق موآب نفرین کند، برکت دادن به آنها را رد می‌کند. بلعام در ادامه این سفر، اسرائیل را برکت می‌دهد. بنابراین، خدا علیه اسرائیل دلیلی دارد زیرا او خدای بخشنده بود.

و او این تدارکات را فراهم کرد، آنچه در آیه ۵ به آن اعمال نجات‌بخش می‌گویند. اینها اعمال نجات‌بخش بودند. او خدای نجات است.

این یک موضوع کلیدی است، زیرا وقتی به کتاب اشعیا می‌رسیم، این نام را داریم. اشعیا به معنای یهوه نجات‌دهنده است. و اینها اعمال بزرگ نجات‌بخش هستند.

خدا اسرائیل را از دشمنانش که او را نفرین می‌کردند، نجات می‌دهد. خدا او را از ستمگران مصر رهایی می‌بخشد. و بنابراین، به دلیل رحمت‌های گذشته خدا، حتی او به اریحا اشاره می‌کند، زیرا سفر خود را به جلجال به یاد دارید.

جلجال اولین جایی بود که بنی‌اسرائیل پس از عبور از اردن، درست در پایین دره اردن، درست در کنار اریحا، در آن مستقر شدند. بنابراین، خدا آنها را از طریق رود اردن به آنجا آورد. بنی‌اسرائیل تصور نادرستی از آنچه خدا از آنها انتظار داشت، داشتند.

و وقتی مردم بیش از حد به مراسم، آیین‌ها و اعمال مذهبی سطحی روی می‌آورند، و من گمان می‌کنم این تا حدودی همان چیزی است که برخی از مسیحیان از آن طفره می‌روند، و به نظر من، به درستی، وقتی مسیحیت به عنوان یک دین توصیف می‌شود، دین به درستی این ایده را دارد که از دو ریشه لاتین می‌آید یعنی دوباره پیوند دادن یا دوباره بستن، و مردم از طریق انواع مختلف آیین‌هایی که انجام می‌شوند به هم پیوند می‌خورند. دین چیزی بیش از اجرای آیین‌ها است؛ چه خودتان آنها را انجام دهید یا شخص دیگری را

مشاهده کنید که آنها را برای شما انجام می‌دهد تا آیین‌ها را اجرا کنید. جوهر دین کتاب مقدسی رابطه‌ای است، نه آیینی.

و همه اینها مربوط به خدایی است که این معجزات بزرگ را برای اسرائیل انجام داد. در بیابان. و اگرچه این آیین، از بسیاری جهات، یک مراسم بود، راهی برای کمک به اسرائیل در درک ایمانش، اما همیشه به خدای پشت این آیین اشاره داشت.

و خدایی که از اسرائیل خواسته بود به شیوه‌ی خاصی زندگی کند. اسرائیل بیش از حد به آداب و رسوم پایبند بود، و بنابراین پیامبران آمدند و این را اصلاح کردند. و ما این را بارها و بارها در پیامبران دیده‌ایم.

بنابراین اسرائیل در دفاع از خود در برابر دادگاه قانون صحبت می‌کند و در اینجا اوج می‌گیرد. به ترتیب پنج سوال توجه کنید، هر کدام بزرگتر از قبلی است. اگر من با قربانی‌های سوختنی بیایم چه؟ گوساله‌های یک ساله چطور؟ هزاران قوچ چطور؟ ده هزار رودخانه روغن، نخست‌زاده من برای گناه من هستند.

و بنابراین، پاسخ احتمالی اسرائیل، تشدید سیستم قربانی است. عیسی این را نگرفت و به این مسیر نرفت که ما به قوانین بیشتر، مقررات بیشتر و آیین‌های بیشتری نیاز داریم. مسیر عیسی بسیار شخصی بود.

او می‌گوید اگر آنجا در محراب هستی و هدیه‌ات را تقدیم می‌کنی، و با خودت فکر می‌کنی، اوه، من با کسی مشکل دارم. و باید آن رابطه را درست کنم. باید آشتی کنم، درستش کنم.

ما با هم اختلاف داریم. هدیه‌ات را کنار قربانگاه می‌گذاری، که به قول عیسی این است: «رسوم را فراموش کن و برو رابطه‌ات را با برادرت درست کن.» بعد برگرد و از هدیه‌ات در قربانگاه مراقبت کن.

عیسی همیشه مردم را بالاتر از الزامات فنی شریعت قرار می‌داد. او در روز سبت شفا می‌داد، هرچند مردم همیشه این را دوست نداشتند. او در روز سبت غلات را می‌چید زیرا پیچوا حنیفش بالاترین فرمان در کتاب مقدس بود.

حفظ جان بر سایر قوانین یا فرامین تقدم داشت. عیسی رویکردی شخصی‌سازی شده اتخاذ کرد. و بنابراین خداوند چه چیزی را مطالبه می‌کند؟ می‌کند همه چیز را خلاصه می‌کند.

ای انسان، او به تو نشان داده است که چه چیزی خوب است، و خداوند از تو چه می‌خواهد؟ و بنابراین آن سه اصل اساسی دین عبری، انجام دادن کار درست، انجام دادن کار درست، عدالت، انصاف، انصاف در رفتار با مردم، و عشق وفادارانه به قادر متعال که به تو اجازه می‌دهد با همسایه‌ات با مهربانی و محبت رفتار کنی. در نهایت، در پایان ساعت گذشته در مورد زنوت صحبت کردم، که کلمه‌ای نسبتاً نادر در کتاب مقدس عبری است اما فراخوانی برای فروتنی است. آن را به رخ نکش.

در مورد ایمان خود مغرور نشوید. متکبر نباشید. با روحیه‌ای فروتن، با حرکتی دقیق و ظریف در پیشگاه قادر متعال گام بردارید.

آنچه در بخش‌های دیگر کتاب مقدس وجود دارد، گاهی اوقات به عنوان قلب فروتن شناخته می‌شود. بنابراین، وقتی در مقابل پادشاه کائنات قدم می‌زنید، با احتیاط قدم برمی‌دارید. شما در مقابل خداوند بسیار با احتیاط قدم برمی‌دارید.

بنابراین، میکاه این طور به همه چیز پایان می‌دهد. مهم این است که چطور زندگی می‌کنی، نه آیین‌هایی که اجرا می‌کنی.

و اگرچه آیین‌ها واقعاً مهم هستند و از هر یهودی خواسته می‌شدند، اما همیشه به فراتر از خودشان اشاره می‌کردند. وقتی دین مکانیکی می‌شود، همانطور که در عاموس ۵ دیدیم، به جای شخصی بودن، به فراتر از خود اشاره می‌کند. این به هدف مورد نظر خدا خدمت نمی‌کرد.

بسیار خوب، با این اوصاف، می‌خواهم امروز در مورد اشعیا صحبت کنم. من یک طرح کلی برای اشعیا دارم. برای صرفه‌جویی در وقت، آن را توزیع خواهم کرد.

این فقط یک مرور کلی از نحوه‌ی ساختار کتاب ارائه می‌دهد. و مشاهده خواهید کرد که کتاب از سه بخش اصلی تشکیل شده است. کتاب ۱-۳۹ عمدتاً وقایعی است که در زمان خود پیامبر اتفاق می‌افتد.

داوری بر گناهان یهودا و چهار ملت اطراف یهودا نیز در حال داوری است. سپس به این بخش جذاب در کتاب ۲۴ تا ۲۷ می‌رسیم که برخی از محققان از آن به عنوان آخرالزمان اشعیا یاد می‌کنند.

جایی که او اکنون به آینده می‌اندیشد. چه اتفاقی برای قوم خدا خواهد افتاد؟ چه اتفاقی برای این زمین خواهد افتاد؟ و رستاخیز مردگان چطور؟ بخش بسیار مهمی است. زیرا دوستان یهودی شما قبل از شما به رستاخیز مردگان اعتقاد داشتند.

یکی از چیزهایی که یهودیت به مسیحیت داد، اعتقاد به رستاخیز مردگان بود. و دو مورد از قوی‌ترین متون مربوط به اعتقاد به رستاخیز مردگان از این مکاشفه اشعیا سرچشمه می‌گیرند. سپس یک میان‌پرده تاریخی وجود دارد که درباره بیماری اشعیا به ما می‌گوید ۳۶-۳۹.

درباره تعدادی از اتفاقات دیگر که بین اشعیا و حاکمان زمان او رخ داده است، به ما می‌گوید. و سپس بخش پایانی کتاب، بخش تسلی‌بخشی است. عمدتاً برای تبعیدیان.

وعده رستگاری از طریق رنج. و از این، مطالب عالی اشعیا ۵۳ ما بیرون می‌آید. و سلطنت نهبی جهانی خدا از طریق جلال آینده صهیون، همانطور که او کتاب را در هفت فصل پایانی به پایان می‌رساند.

ما از اینجا تا انتهای دوره به جنبه‌های خاصی از آن خواهیم پرداخت. کاری که امروز می‌خواهم انجام دهم. این است که مقدمه‌ای بر اشعیا ارائه دهم. این شخص که بود.

تقریباً تصویر کلی از پیامبر. پیشینه او. و بعداً این هفته در مورد سبک ادبی اشعیا صحبت خواهیم کرد.

کتاب او یک شاهکار شاعرانه است. و ما همچنین در مورد مشکل نویسندگی اشعیا صحبت خواهیم کرد. نام او یشایاهو است.

یشایاهو. ما در دانشگاه دانشجویان زیادی با این نام نداریم. اما دو سال پیش یکی داشتیم.

او اکنون فارغ‌التحصیل شده است. این واقعیت که عبری از راست به چپ خوانده می‌شود. بسیاری از شما عبری خوانده‌اید و ریشه یشا را که به معنای رهایی دادن، نجات دادن، آزاد کردن است، تشخیص می‌دهید.

و یاهو در انتها شکل کوتاه شده‌ی یهوه است. بنابراین، نام اشعیا به یهوه نجات می‌دهد یا نجات از جانب یهوه است اشاره دارد. او گاهی اوقات به عنوان پیامبر انجیلی شناخته می‌شود زیرا کلمه انجیلی از کلمه یونانی euangelion به معنای مژده، بشارت شادی آور گرفته شده است.

یا در یک کلمه، انجیل. و اشعیا بیش از هر پیامبر دیگری مژده خدا را بیان می‌کند و آن را بیان می‌کند. مژده خدا در نهایت، البته، در آمدن مسیح است.

اما خواهیم دید که چگونه انجیل‌ها این ایده‌ی مژده را ابداع نکرده‌اند، بلکه این ایده دقیقاً از اشعیا سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، او پیامبر انجیلی است یا گاهی اوقات او را پیامبر مسیحایی می‌نامند. یوحنا ۱۲:۴۱ می‌گوید که او جلال مسیح را دید.

در مورد انجیل یوحنا، او می‌گوید که اشعیا آمدن مسیح را از پیش دیده بود. حال، ریشه عبری اینجا در این است. بارها پیش آمده که در طول یک سال، کسی را از ... شنیده‌اید، b'ser، کلمه انجیل یا مژده، احتمالاً امشب اگر ساعت ۱۱:۳۵ کانال ۵ تلویزیون را روشن کنید، صدای او را خواهید شنید، مارتین بشیر، که اکنون یک مسیحی پاکستانی است و در نایت‌لاین است و پس از بازنشستگی تد کاپل، چند سال پیش جانشین او شد.

نایت‌لاین یک برنامه خبری است. کلمه بشیر، بشیرا یا انواع آن اغلب در دنیای مسیحی عرب یافت می‌شود. وقتی اسم کودکی را می‌گذارید، از کلمه خبر خوب استفاده می‌کنید.

می‌تواند اسم کوچک یا نام خانوادگی باشد. دارم به شما اشاره می‌کنم که ریشه سامی دارد و به Gospel کلمه مژده، بشارت به، gospel معنای اعلام کردن، گفتن یا آوردن مژده یا بشارت است. نحوه ورود این کلمه است. Mivaseret کتاب اشعیا معمولاً با کلمه.

حال، اگر اورشلیم را ترک کنید و به سمت تل‌آویو بروید، اگر به سمت فرودگاه بروید، در بزرگراه اصلی تابلویی خواهید دید که روی آن نوشته شده است میواسرت، که نام خود را به یکی از حومه‌های محصور اورشلیم امروزی می‌دهد. میواسرت یک شکل وصفی در زبان عبری است که از همان ریشه، باصر، می‌آید. و بنابراین، قبل از اینکه ببینیم چگونه در عهد جدید استفاده می‌شود، به نحوه استفاده از آن در اصل، به اشعیا ۴۰، آیه ۹ نگاه می‌کنیم. من قبلاً گفتم که فصل ۴۰، نخامو، نخامو آمی بود.

تسلی دهید، قوم مرا تسلی دهید. چه کسی را تسلی دهید؟ خب، تبعیدیان به تسلی نیاز داشتند. آنها آنجا در بابل بودند.

و بنابراین، فصل ۴۰، آیه ۹ می‌گوید، ای میواسرت، که به صهیون مژده می‌دهی، به کوه بلند برو. ای که به اورشلیم مژده می‌دهی، یا ای صهیون، ای آورنده مژده، صدایت را بلند کن. و در اینجا، خدا از قوم خود مراقبت می‌کند.

او در سُرفِ رهایی بخشیدن آنهاست. و این رهایی بخشیدن آنها از تبعید و بازگرداندنشان به خانه است. و اگر به ۵۲.۷ نگاه کنید، نگاهی اجمالی به این موضوع خواهید داشت.

البته، سرودی هست که در محافل مسیحی خواهید شنید. چه زیباست پاهای کسانی که بر فراز کوه‌ها هستند. و اشعیا در آیه ۵۲.۷ می‌گوید: چه زیباست پاهای کسانی که مژده می‌آورند بر فراز کوه‌ها.

میواسرت. آنها مژده را اعلام می‌کنند یا می‌گویند یا می‌آورند. حال، پولس در رومیان ۱۰ و ۱۵ همین عبارت را برمی‌گزیند.

فقط برای یادآوری. جایی که پولس در نوشته‌هایش از کتاب اشعیا اشباع شده است. 10.15، پولس «می‌گوید»: چه زیباست پاهای کسانی که مژده می‌آورند

و البته او این کار را در فصلی انجام می‌دهد که بسیار مسیح‌شناسانه است. و این واقعیت که او مردم را فرا می‌خواند تا به مژده خدا در مسیح ایمان بیاورند. کسی که از مردگان برخاست

بنابراین، با توجه به کلماتی که در آیه ۵۲:۷ آمده است، چرا باید در اینجا از پای کسانی که مژده می‌آورند صحبت شود؟ خب، تصویر اینجا احتمالاً مربوط به یک پیام‌آور است که برمی‌گردد تا مژده را به مردم بدهد. اینکه نبرد تمام شده است. اینکه پیروزی به دست آمده است

و پادشاه و مردم می‌خواهند میواسرت را دریافت کنند. اعلام خبر خوب. و این یکی می‌آید و صلح را اعلام می‌کند

و او نجات را اعلام می‌کند، که به معنای رهایی است. و بنابراین، این به یک معنا، مژده خدا را که در عهد جدید خواهد بود، از پیش نشان می‌دهد. یک اعلام شادی بخش درباره کار خدا در مسیح

زندگی او، رنج او، مرگ او، دفن او، رستاخیز او، عروج او و بازگشت دوباره او. کل این مجموعه درباره مسیح و کار نجات او از جانب گناهکار است. و این خبر خوش خداست

ما آن را انجیل می‌نامیم. اگر در یونان مدرن باشید، و یک متخصص زنان و زایمان در را به روی پدری باردار که منتظر آن کلمه است باز کند، در حالی که همسرش در حال زایمان است، او می‌گوید، من برایت کمی انجیل دارم. من خبر خوبی برایت دارم

یک خبر خوشحال‌کننده. شما پدر مفتخر یک بچه ۱۱ پوند و ۷ اونسی هستید، یک بچه با اندازه خوب. و سالم هم هست

بسیار خب، این خبر خوبی است. بسیار خوب، پس خبر خوب خدا در مسیح است. و این، به عنوان خبر خوب، ممکن است توسط یک پیام‌آور پس از شنیدن پیروزی، اعلام صلح، و این حس که صلح اعلام شده است، اعلام شود

ما از طریق خداوندان عیسی مسیح با خدا صلح داریم. صلح با خداست. و سپس صلح خدا از طریق مژده خدا به مؤمن می‌رسد

چند نکته. Mevassarit استفاده می‌کند. مژده خدا از euangelion اینجا از LXX بسیار خوب، بنابراین در مورد نحوه استفاده عهد جدید از اشعیا

عهد جدید بیش از ۴۰۰ بار از اشعیا نقل قول می‌کند و به آن اشاره می‌کند، که به این معنی است که نویسندگان عهد جدید سرشار از تفکر مسیحایی یا اشعیا بوده‌اند. از ۶۶ فصل کتاب اشعیا، ۴۷ فصل به آن اشاره دارد یا از آن نقل قول شده است، که به این معنی است که کل کتاب اشعیا در دوران عهد عتیق بسیار شناخته شده بوده است. در قمران، جایی که طومارهای دریای مرده پیدا شد، حدود ۱۵ نسخه خطی مختلف از اشعیا در میان طومارهای دریای مرده یافت شد

قبلاً گفته‌ام، و دوباره می‌گویم، سه متن پرکاربرد بر اساس دو منبع اصلی، نقل قول‌ها در عهد جدید و تعداد نسخه‌های خطی یافت شده در قمران، نشان می‌دهند که تثنیه، مزامیر و اشعیا سه متن اصلی بوده‌اند. بیشتر کپی شده‌اند. بیشتر مورد استناد قرار گرفته‌اند.

و من اغلب به مسیحیانی که علاقه‌مند به پرسیدن این سوال هستند، توصیه می‌کنم که از کجا باید خواندن عهد عتیق را شروع کنم؟ خب، مطمئناً برای ایجاد تعداد بیشتری پیوند، پیوندهای ارتباطی بین عهدین احتمالاً این سه کتاب بسیار مهم برای شروع هستند. ۹۶ بار در عهد جدید به تثنیه اشاره شده است. بگذریم از ده فرمان که چندین بار در عهد جدید تکرار شده‌اند.

از تثنیه ۵. ناگفته نماند که عیسی گفت مهمترین فرمان عهد عتیق در تثنیه یافت می‌شود. خداوند، خدای خود را با تمام وجود دوست بدار. بنابراین، مطالب مهم زیادی در آنجا وجود دارد.

بگذریم از وسوسه‌های مسیح. انسان تنها با نان زنده نیست. خداوند، خدای خود را وسوسه نکنید.

وقتی عیسی شیطان، آن سه وسوسه را سرکوب می‌کند، دو بار از هر سه باری که در زندگی شخصی خود از تثنیه نقل قول می‌کند. بنابراین، اهمیت آن مطلب برای نویسندگان عهد جدید آشکار است. در مزامیر، از نقل قول‌های عهد جدید از مزامیر آمده است 20٪.

بنابراین، آنها هم بسیار بسیار مهم بودند. و به خاطر داشته باشید، تا سال ۴۰۰ نمی‌توانستید به بالاترین مقام روحانیت برسید مگر اینکه تمام ۱۵۰ مزمور را حفظ کرده باشید. بنابراین، این یک فرهنگ بسیار شفاهی بود.

و مزامیر به کتاب سرود کلیسای اولیه تبدیل شد. پولس به قرن‌تیان می‌گوید، وقتی دور هم جمع می‌شوید، یکی از شما یک مزامیر دارد که یک کلمه قرضی است. همانطور که می‌دانیم، این کلمه امروزه به انگلیسی وارد شده است.

مزامیر. بنابراین، مردم دور هم جمع می‌شدند و یک آموزه یا یک پند را به اشتراک می‌گذاشتند. آنها یک مزامیر را به اشتراک می‌گذاشتند.

آنها بلند می‌شدند و مزامیر را از بر می‌خواندند. یکی از باورنکردنی‌ترین تجربیاتی که تا به حال با یک دانشجوی کالج گوردون داشته‌ام، چند سال پیش اتفاق افتاد، زمانی که من جمله‌ای را که همین الان در مورد یادگیری مزامیر به شما گفتم، مطرح کردم. من فرصتی داشتم تا یک برنامه ۹۰ دقیقه‌ای را در یک کنیسه محلی اجرا کنم.

خاخام گفت، خب، چرا با دانش‌آموزان گوردون برنامه‌ای در مورد قدردانی مسیحی از میراث عبری اجرا نمی‌کنید؟ بنابراین، از دو نفر از کلاس‌هایم که آنها را به شرکت در برنامه دعوت کرده بودم، پرسیدم که اگر قرار باشد در این برنامه شرکت کنید، دوست دارید چه کاری انجام دهید؟ در موردش فکر کنید. سپس یک کارت به من تحویل دهید.

خب، من آن موقع این دانش‌آموز را داشتم که باید با من عبری می‌خواند. و او پنج یا شش هفته زیاد عبری کار نمی‌کرد. و من نمی‌دانستم چرا.

او در نهایت یک هفته قبل از اینکه همه چیز را در مورد برنامه نهایی کنیم، به من گفت. او می‌گوید، من مزامیر را حفظ کرده‌ام. نه به این دلیل که می‌خواهم عضوی از بالاترین مقام روحانیت باشم، بلکه به این دلیل که شما گفتید در زندگی مسیحیت اولیه بسیار مهم بوده است. به همین دلیل است که من زیاد عبری صحبت نمی‌کنم.

خب، به او گفتم، گفتم جان، اگر مزامیر یاد گرفته‌ای، چطور است که جلوی کنیسه بروی و از مزامیر نقل، قول کنی؟ و فکر کردم با او شوخی کنم. گفتم، خب، چرا نمی‌روی آنجا و مزمور ۱۱۹ را از بر نمی‌خوانی که همانطور که خیلی از شما می‌دانید، ۱۷۶ آیه دارد؟ او می‌گوید، در واقع، من این را اول یاد گرفتم چون می‌دانستم که بدترین و سخت‌ترین بخش برای یادگیری است.

مطمئناً، بلند می‌شوم و آن را از بر می‌خوانم. خب، حدود ۱۵ دانش‌آموز گوردون داشتم که باید آنها را به برنامه می‌آوردم، بنابراین می‌دانستم که کل شب فقط خواندن مزمور ۱۱۹ خواهد شد. با خودم گفتم، خب، شما نمی‌توانید کل مزمور را بخوانید.

خیلی طول می‌کشید. خب، جان می‌گوید، وقتی به کنیسه رسیدیم، چرا به من نمی‌گویی کدام آیات را می‌خواهی بخوانم، و من همان‌ها را می‌خوانم. گفتم، مطمئنی که این کار را می‌کنی؟ او گفت حتماً.

خب، او در واقع، در طول آن پنج یا شش هفته، شش مزمور یاد گرفت. ببخشید، ۱۵ مزمور. نه شش مزمور.

او ۱۵ مزمور را یاد گرفت. او مزمور ۱۱۹ را یاد گرفت. بنابراین، من او را صدا زدم، و او این را نمی‌دانست، و او آیات ۵۰ تا ۱۰۰ را جلوی کنیسه‌ها تلاوت کرد.

مزمور ۱۱۹. و این کار را بی‌نقص انجام داد. شنیدن اینکه همه دوستان یهودی ما به یک دانشجوی کالج گوردون در حال تلاوت مزامیر گوش می‌دادند، واقعاً نفس‌گیر بود.

مزامیر آنها. و این یک چالش واقعی برای همه بود. حالا، او ۱۵ مزامیر را از حفظ می‌داند.

او مجبور نبود برای انجام این کار به کالج گوردون برود. او خودش این کار را انجام داد. اما ایده‌اش را در کالج گوردون به ذهنش رساند.

که به نظر من یکی از بهترین چیزهایی است که او از گوردون گرفته است. بسیار خوب، پولس رسول و دیگران، آنها از این مزامیر اشباع شده بودند و به طور گسترده از آنها بهره می‌بردند. و بخش جالب مزمور این است که به ما یادآوری می‌کند که چگونه همه چیز در کتاب مقدس عبری به پنج کتاب اول کتاب ۱۱۹ مقدس عبری برمی‌گردد.

از آنجا که مزمور ۱۱۹ تجلیلی از پنج کتاب اول کتاب مقدس و فراخوانی برای بازگشت به آنهاست. فرامین احکام، قوانین، سخنان، فرامین، قوانین. همه این چیزهایی که خداوند در پنج کتاب اول کتاب مقدس بیان کرده است، این مزمور از چگونگی عملکرد این چیزها در زندگی مؤمن و دلیل پایبندی به آنها ابراز شادی می‌کند.

بنابراین، عهد جدید مطالب زیادی از اشعیا و همچنین تثنیه و مزامیر دارد. کمی در مورد پیشینه خانوادگی اشعیا. با نگاهی به اشعیا، برای لحظه‌ای تصویر بزرگتری از این موضوع به دست می‌آوریم.

پادشاهان یهودا، پادشاه عزیا و اشعیا ظاهراً پسرعمو بودند. و این چطور اتفاق افتاد؟ خب، پادشاهان یهودا، از یوآش، آمازیا شروع می‌شوند و سپس به عزیا می‌رسیم که حدود ۷۹۰ تا ۷۴۰ میلادی است.

به همین دلیل است که ما تاریخ نگارش اشعیا را دقیقاً با سال ۷۴۰ میلادی برابر می‌دانیم، زیرا در اشعیا ۶ آمده است که در سالی که عزیا پادشاه درگذشت، من خداوند را دیدم. بنابراین، می‌دانیم که مأموریت اشعیا در اشعیا ۶ با مرگ عزیا گره خورده است. و او تا زمان سلطنت حزقیا به این مقام ادامه داد.

و طبق روایات، در زمان منسی کشته شد. حال، اشعیا پسر آموص بود. آموص با حرف عبری متفاوتی نسبت به عاموس نوشته می‌شود.

این آموص است. طبق سنت یهود، او برادر پادشاه آمازیا بود. بنابراین، اشعیا پسر عموی پادشاه عزیا خواهد بود.

اگر یوآش دو پسر داشته باشد، نام آنها آمازیا و آموص است. در عبرانیان ۱۱:۳۷ اشاره جالبی وجود دارد. آیا به اشعیا اشاره دارد؟ برخی فکر می‌کنند که ممکن است. بگذارید آن را برای شما بخوانم.

این ایمان داوران و انبیا است. و چه اتفاقی برای این افراد، مانند جدعون، باراق، سامسون، یفتاح، داوود، سموئیل و انبیا افتاد؟ این کتاب درباره چگونگی رنج کشیدن برخی از آنها از تمسخر و تازیانه و حتی زنجیر و زندان صحبت می‌کند.

سنگسار شدند. با آزه دو پاره شدند. با شمشیر کشته شدند و در پوست گوسفند و بز، فقیر، رنج کشیده و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند.

آن عبارت، به دو صورت برش داده شده است. بله. چه کسی چیست؟ دو اشعیا.

کی چیه؟ اوه، امصیا. اوه، باشه. امصیا پسر یوآش است.

به یاد داشته باشید که در زمان یوآش که معبد را تعمیر کرد، احیای بزرگی رخ داد. تعمیر بدی بود. و مردم پول خود را به معبد می‌آوردند و این پول در یک صندوق بزرگ جمع‌آوری می‌شد.

سپس آمازیا و سپس عزیا به دنبال او می‌آیند. بنابراین، داستان به این شکل ادامه پیدا می‌کند. بنابراین، یوآش دو فرزند دارد، آمازیا و آموص.

این باعث می‌شود اشعیا و عزیا پسرعمو باشند. حال، به متن اشعیا ۱۱:۳۷ برگردیم. آیا این می‌تواند اشاره‌ای به منسی باشد؟ طبق یکی از منابع اولیه غیر کتاب مقدس، در این متن از مرگ اشعیا به عنوان زمانی که تحت سلطنت منسی بود صحبت می‌شود و اینکه او با آره از وسط دو نیم شد.

بنابراین، این روایت است. این روایت از نظر کتاب مقدس اثبات نشده است، اما بخشی از یک منبع اولیه یهودی خارج از کتاب مقدس است. منسی بدترین پادشاه بود. بت‌پرست بزرگ تاریخ یهود. طبق کتاب مقدس، او هیچ کار درستی انجام نداد، جز اینکه روز قبل از مرگش توبه کرد. این تنها کار خوبی بود که او انجام داد.

هر چیز دیگری در کتاب مقدس، فهرستی از رذایل این پادشاه طولانی مدت یهودا است که بیش از نیم قرن سلطنت کرد و بدترین بدترین‌ها بود. اشعیا دو فرزند داشت. یکی از آنها شیر یوشع نام داشت که در ۷:۳ اشعیا از او نام برده شده است.

هر یک از دو فرزند او نام‌هایی نمادین داشتند. شیر یوشع به سادگی به معنای بازماندگانی است که باز خواهند گشت. شوب/شوو به معنای بازگشت است.

شهار ایده‌ی بازمانده است. بنابراین، بازمانده‌ای بازخواهد گشت، کلمه‌ای امیدبخش بود. نام دیگرش مثل «این است که برای تیم رد ساکس بگوییم» نمک لا ماچیا.

این طولانی‌ترین اسم یک بازیکن حرفه‌ای بیسبال است که تمام پشت لباسش را می‌گیرد. ماهر-شلال-هاش-باز برای صدا زدن او برای شام اسم طولانی‌ای خواهد بود. ماخر به معنی سریع یا شتابان است.

شلال به معنای غنیمتی است که از غنائم جنگی به دست می‌آید. هاش به معنای سریع است. ضرب المثل آخر به معنای شکار یا غنیمت است.

به سوی غنیمت بشتاب، سریع به سوی غنیمت. ما در مورد پیشینه تاریخی که این اتفاق در آن رخ می‌دهد صحبت خواهیم کرد. آخرین چیزی که به آن اشاره کردم طومارهای دریای مرده بود.

امیدوارم روزی در زندگی‌تان به موزه اسرائیل بروید. یکی از هفت بخش اصلی، معبد کتاب است. در این موزه طوماری به طول حدود ۹ متر به نمایش گذاشته شده است که کپی کامل طومار اشعیا است که در قمران پیدا شده است.

نسخه اصلی چندین سال آنجا بود، اما به دلیل شرایط جوی و تمایل به حفظ آن و جلوگیری از زوال، یک کپی از آن تهیه کردند که می‌توانید به آن نگاه کنید، در اطراف آن قدم بزنید و تمام طول طومار را که امروزه موزه را برجسته می‌کند، ببینید. این یکی از حدود ۱۵ نسخه خطی مختلف اشعیا است که ما را به قبل از زمان عیسی می‌برد. البته برخی از قدیمی‌ترین متون کتاب مقدس که در اختیار داریم، از طومارهای دریای مرده آمده‌اند.

بسیار خوب، برای امروز کافی است و چهارشنبه همه چیز را از اینجا جمع می‌کنیم.

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد انبیا است. این جلسه ۲۳، سخنان پایانی در مورد میگاه و تعلیم در مورد کتاب اشعیا است.